

دگرگونی روابط شهر و روستا با تاکید بر فعالیتهای اقتصادی مورد: روستاهای بخش مرکزی شهرستان بیرجند

عباس سعیدی^۱
جواد میکانیکی^۲

چکیده

این مقاله می‌کوشد، با نگاهی به ویژگیهای اساسی برخی نظریه‌های روابط شهر و روستا در ارتباط با ایران، به بررسی روند دگرگونیهای پدیدآمده در یکی از مهمترین جنبه‌های این روابط، یعنی جریان فعالیتهای اقتصادی در یک عرصه عینی بپردازد. نتایج حاصل از بررسیهای پیمایشی در عرصه مورد نظر نشانگر دوام برخی جنبه‌های سنتی (هرچند تا حدی دگرگون یافته) اشکال ماقبل سرمایه‌داری این روابط و پایانی روح سلطه جوی مناسبات دیرپای سرمایه‌داری بهره‌بری است.

واژگان کلیدی: روابط شهر و روستا؛ سرمایه‌داری بهره‌بری؛ اقتصاد روستائی؛ روستاهای بخش مرکزی شهرستان بیرجند.



¹. استاد گروه جغرافیای انسانی، دانشگاه شهید بهشتی

². عضو هیئت علمی گروه جغرافیا، دانشگاه بیرجند

مقدمه و معرفی محدوده مورد بررسی

رشد سریع شهرنشینی در دهه های اخیر و نابرابری های روستایی- شهری و روند رو به رشد مهاجرت های روستایی، بسیاری از صاحب نظران علوم اجتماعی و جغرافیدانان را بر آن داشت تا در باره روابط و مناسبات شهری- روستایی به پژوهشهای گسترده ای دست یازند. در این بین، برخی بر این باور پای فشاری دارند که فهم و تعدیل پویای جریان فقر در کشورها، بویژه کشورهای در حال توسعه که در معرض شهرنشینی شتابان قرار دارند، تنها در قالب تأکید بر نحوه روابط متقابل و دامنه تعامل میان عرصه های روستایی و شهری ممکن و قابل چاره جویی است.^۱

از سوی دیگر، طی دهه های اخیر به خاطر دگرگونیها و پدیداری بستگیهای تازه درکنار روابط سنتی بین محیطهای روستایی و شهری، نوعی پیوستگی میان این دو عرصه زیستی پدیدار شده است که مبتنی بر تفاوتهای مکانی- فضائی، از یک ناحیه به ناحیه دیگر، به نحوی متفاوت جلوه گر شده و می شود.^۲ بدینسان، بررسی دگرگونی روابط مکانی- فضایی در چارچوب مطالعات ناحیه ای و عرصه های شهری و روستایی به درک شیوه های تولید فضا و نحوه سامانپذیری ساختار فضائی و همچنین، آینده نگری در خصوص روند شکل گیری فضاهای جغرافیایی از اهمیت ویژه ای برخوردار شده است.

پژوهش حاضر از نظر روش شناسی بر چنین بنیادی استوار است. در این ارتباط، شیوه پیشبرد پژوهش بر روش اسنادی- پیمایشی استوار بوده است. جامعه آماری پژوهش شامل ۲۷۵ سکونتگاه روستایی واقع در بخش مرکزی شهرستان بیرجند بوده است که در دو سطح، واحد روستا و واحد خانوار، به انجام رسیده است. به این منظور، نمونه های واحد روستا به شیوه نمونه گیری چند مرحله ای^۳ و سپس، نمونه های خانوار ساکن در آبادیهای نمونه، با بهره گیری از فرمول کوکران انتخاب شده اند.

طرح مساله و مبانی نظری پژوهش

روابط شهر و روستا مجموعه روابط و مناسبات کالبدی- فضایی، اجتماعی- اقتصادی و حقوقی- سیاسی سکونتگاههای روستایی با کانونهای کوچک و بزرگ شهری را شامل می شود. بحث از روابط شهر و روستا در بررسیهای علوم اجتماعی، بویژه مطالعات جغرافیایی، از سابقه ای نسبتاً طولانی برخوردار است، اما سرآغاز بحثهای جدی و علمی در این باره بیشتر به دهه ۱۹۴۰ میلادی باز می گردد. در ارتباط با ایران، یکی از پیشتازان این مبحث هانس بوبک^۴ - جغرافیدان اتریشی- است که در سال ۱۹۴۸ برای نخستین بار کوشید این مقوله را در چارچوبی نظری مطرح سازد. او در مقاله ای تحت عنوان *مراحل اساسی تکامل اجتماعی- اقتصادی از دیدگاه جغرافیا* (۱۹۴۸)، این گونه روابط را، بویژه در خاورمیانه، نوعی صورت بندی اجتماعی- اقتصادی و مرحله ای مستقل در روند تکوین تاریخی براساس

^۱ . از جمله نگاه کنید به: Satherwaith, 2000; Tacoli, 1998; Overbeek, 2006; Lynch, 2005; Friedmann, 2003

^۲ . سعیدی، ۱۳۸۲، ص ۷۴ به بعد

^۳ . multi-stage sampling

^۴ . Hans Bobek (1903-1990)

مدل پیشنهادی خود به شمار آورد که بین دو مرحله جامعه زراعی سازمان یافته (طبقاتی) اربابی و سرمایه داری تولیدی قرار می گرفت. کاربری مفاهیمی همچون حومه^۱ و حوزه نفوذ^۲ که امروزه به صورت گسترده ای مورد استفاده است، ابزار اولیه این بحث بود.

در کشورهای انگلوساکسون نیز همین گونه مباحث، بویژه در مطالعات شهری جای خود را به تدریج باز کرد. نخستین کوششها در این گونه کشورها در تدقیق ادراکی پدیده حومه- شهری عمدتاً توسط تجربیات جغرافیدانان آمریکایی فراهم آمد. البته در این میان، رویکرد مورفولوژیک (ریخت شناختی) و عملکردی عمدتاً بر مسایل حاشیه شهر تاکید داشت. در این مطالعات اساساً تاکید بر تحلیل عوارضی نظیر تراکم، ریخت شناسی و تحول کاربریهای زمین در قالب الگوهای برآمده از اثرگذاریهای شهر استوار بود. البته این گونه رویکرد به نوبه خود توسط جغرافیدانان انسانی و روستایی مورد انتقاد قرار گرفت، اما بحثها بیشتر حول مسایل حاشیه- شهری باقی ماند.

با این وجود، بررسیهای انجام شده در زمینه درک علل و پیامدهای این روابط اغلب به این نکته منتج شده است که این گونه روابط در دنیای غیرصنعتی پیوسته بر تحمیل نوعی ویژه از روابط سلطه با ماهیت/استثمار از سوی شهرها بر محیطهای روستایی استوار بوده است. هانس بوبک این گونه روابط سلطه را در کشورهای شرق اسلامی، از جمله ایران، در قالب سرمایه داری بهره بری^۳ و روابطی انگلی و تحمیلی از سوی شهرها بر محیطهای روستایی معرفی کرده است. اکارت اهلرس^۴ در بررسی خود در باره روند تکوین شهرهای سنتی و ماقبل سرمایه داری- در یک جمعبندی- ویژگیهای اساسی این نوع صورت بندی را به نحو شایسته ای این چنین معرفی کرده است:

۱- شهرها نه تنها شالوده و اساس اولیه برپایی خود را مدیون حوزه روستایی پیرامونی هستند، بلکه این حوزه از طریق مازاد تولید، اساس تغذیه جمعیت شهری را فراهم می سازد و در عین حال، بازاری برای تولیدات نهایی و یا نیمه تمام شهری به شمار می آید؛

۲- شهرها محل اصلی اقامت زمینداران بزرگ (مالکان غایب) است؛ از این رو،

۳- "ارزش افزوده" تولیدی در روستاها به مراکز شهری انتقال می یابد و در واقع، شهرها این گونه عواید را از آن خود ساخته و آن را در واقع غصب می کند؛ علاوه براین،

۴- روستاها مراکز تولید و شهرها کانونهای بازاری و تجارت متکی بر (تولیدات) عرصه های روستایی به شمار می روند؛ و به این ترتیب،

۵- شهرهای سنتی بر مبنای فعالیت اقتصادی حومه روستایی پیرامون خود و برای آن دوام می یابند؛ نتیجتاً،

¹ .umland

² . hinterland

³ . rent-capitalism (= Rentenkapitalismus)

⁴ . Eckart Ehlers

۶- روند تکوین اجتماعی- اقتصادی با پویش ناچیز خود، منجر به رشد شهرها و واپس ماندن محیطهای روستایی می گردد.^۱

اهلرس علل دیرپایی این روابط را با عنایت به ۳ ویژگی اصلی آنها، این چنین معرفی می کند:
الف- پیوند تنگاتنگ حاکمیت (دولتی) و شهر؛

ب- بازرگانی شهری بر اساس عواید حاصل از بهره (رانت) تولیدات روستایی؛ و

ج- آمادگی ناچیز زمینداران بزرگ برای سرمایه گذاریهای تولیدی.^۲
این جغرافیدان آلمانی با گشایش گستره بحث، به نتایجی دست یافت که زمینه ساز مطالعات بعدی در ایران شد.^۳

در دهه ۱۹۷۰ میلادی از نو مباحث نظری- ادراکی پر دامنه ای در باره مباحث روستایی- شهری در سطح جهانی در گرفت و اصطلاحات تازه ای مطرح گردید: بعضی به تبیین تفاوت‌های موجود بین حاشیه شهر و حومه (suburb) پرداختند. برخی دیگر فراتر رفته، اصطلاحاتی همچون شبه حومه (pseudo-suburb)، شبه اقماری شهری (satellites)، شبه اقماری (pseudo-satellites)، حاشیه درون شهری (inner urban fringe) و حاشیه برون شهری (outer urban fringe) را مطرح ساختند. بعضی دیگر کوشیدند، میان حاشیه شهر و حاشیه روستایی- شهری تفاوت قایل شوند و بالاخره، برخی حتی برای تبیین تفاوت در قلمروهای پیرامونی شهرها، مفهوم نواحی روستایی غیر زراعی (rural nonfarm areas) و یا نواحی روستایی زراعی (rural farm areas) را پیشنهاد کردند. در بحث از توسعه و شهرگرایی، به طور سنتی، از مباحثی دوسویه نظیر شهری- روستایی، سنتی- مدرن، رسمی- غیررسمی و مانند آن سخن به میان می آید؛ در واقع، بحث لفظی بر سر مفاهیمی این چنین و تفاوت گذاری صرف میان قلمروهای شهری و روستایی برای شناسایی و تفکیک اجتماع و چشم انداز روستایی- شهری (و نیز روستاهای مجاور شهرها)، به مثابه محیطهای مرزی یا گذار، نمی تواند مناسب، کافی و در حل و تعدیل نارساییهای مبتلا به این گونه عرصه ها کارآمد باشد.^۴

کلی (۱۹۹۸) ضمن ارزیابی تغییر کاربری زمین در اطراف مانیل (فلیپین) که طی آن زمینهای زیرکشت برنج به مصارف صنعتی تغییر کاربری داده شده اند، روابط شهر و روستا را تحت تأثیر تصمیم گیریهای

۱. اهلرس، ۱۳۸۰، صص ۲۲۱-۲۲۳

۲. همو، صص ۲۴۹-۲۵۰

۳. این گونه مطالعات به طور جدی تاکنون توسط جغرافیدانان خارجی، به انجام رسیده است و جغرافیدانان ایرانی متأسفانه حتی بعضاً با برخوردی سلبی بدون مراجعه به آثار نظریه پرداز اصلی این بحث (هانس بوبک) و بی اعتنا به مطالعه دقیق آثار اهلرس، ویرت و دیگران در این زمینه و از همه مهمتر از همه با برداشتهای نادرست از این نظریه، تاکنون نتوانسته اند در عرصه ادبیات علمی به زبان فارسی، به جز موارد بسیار معدود، به مطالعات جدی و ثمربخش در این عرصه دست یازند.

۴. سعیدی، ۱۳۸۷، مدخل روستایی- شهری

سیاسی می داند که در سطوح ملی، منطقه ای و محلی متأثر از امور سیاسی است و چنین نتیجه می گیرد با توجه به اینکه زمین عامل اصلی قدرت در فیلیپین به شمار می رود و با توجه به ارزش زمین های زراعی حاشیه مادر شهرهای ناحیه ای جهت مصارف صنعتی، تغییر کاربری زمین از سوی متولیان امور در راستای افزایش شهرنشینی و گسترش فعالیتهای صنعتی، روابط شهر و روستا را شدیداً متأثر ساخته است.¹ اوربیک و لوئین در گزارشی در باره روابط متقابل شهر و روستا در اروپا به بررسی این روابط در کشورهای فنلاند، فرانسه، مجارستان، هلند و اسپانیا به منظور طراحی مدلی از روابط با هدف بهبود روابط شهر و روستا در این کشورها پرداختند. در هریک از این کشورها، دو عرصه روستایی (یکی در جوار مادرشهرهای ناحیه ای و دیگری در نزدیکی نواحی ساحلی گردشگری) به عنوان نمونه انتخاب شدند. یافته های این تحقیق نشان داد که برای جلوگیری از ناپایداری در چشم اندازهای روستایی لازم است طرحهای جامع روابط متقابل پایدار روستایی- شهری، آمایش سرزمین بر مبنای توانهای ناحیه ای و ایجاد ساز و کارهای تأمین منابع مالی به منظور مدیریت منابع طبیعی و کشاورزی تدوین گردد.²

علاوه بر این، روابط شهرها و روستاهای پیرامونی آنها ضمناً به عنوان بحث کانونی نظریه توسعه و بررسی جنبه های مثبت یا منفی روابط مرکز- پیرامون، آنچنان که جان فریدمن³ آن را مطرح ساخته، مورد بحث بوده است. زیربنای این نظریه بر نکات و جنبه های زیر استوار است:

- روندها و پیامدهای رشد سریع شهرگرایی و گسترش شهری در کشورهای غیر صنعتی؛
- مساله تعریف و تبیین عملکردی عرصه های مختلف شهر، شهرهای کوچک و روستاها بر مبنای تفاوت های ذاتی و ماهوی موجود میان آنها، بویژه آنجا که رشد و گسترش محیطهای شهری، بخصوص کلانشهرها، به سرعت با پدیده خوردنگی چشم انداز همراه است؛
- شهرها در دنیای غیرصنعتی غالباً دروازه های ارتباطی مابقی عرصه های کشور با بازارهای جهانی (بین المللی) به شمار می روند و بر همین اساس عمل می کنند.⁴

مایک داگلاس که رویکردی نزدیک به فریدمن دارد، مباحث مرتبط با روابط شهر و روستا را بیشتر در قالب نگرش قطب رشد مطرح می سازد و در مقابل، بر پیوندهای روستائی- شهری تکیه دارد.⁵ البته، جنبه های انتقادی او از نگرشهای قطب رشد، بویژه در مقایسه با رویکرد مورد حمایت خود (رویکرد شبکه منطقه ای) و بویژه در بحث از توسعه منطقه ای روستایی، قابل توجه و آموختنی است. بر این مبنای شناخت صحیح روابط جاری میان محیطهای روستایی و شهری می تواند به کوشش در راستای تغییر ساختاری- عملکردی روابط و مناسبات موجود و در نتیجه، برقراری پیوندهای مناسب یاری

¹ . Kelly, 1998

² . Overbeek & Terlin, 2006

³ . John Friedmann

⁴ . Friedmann, 1996

⁵ . از جمله نگاه کنید به: douglass, 1988؛ سعیدی، ۱۳۸۲

رساند؛ غفلت از این مهم، مسلماً به تعمیق بیشتر نابرابریها میان کانونهای شهری و محیطهای روستایی خواهد انجامید.^۱

روابط اقتصادی شهر و روستا

بدین سبب که هر نظام مجموعه ای از عوامل و عناصر بهم پیوسته، متشکل و قاعدتاً هماهنگ به منظور نیل به هدف معین شمار می رود، می توان نظام بهره برداری را شامل مجموعه ای از نیروهای تولیدی و روابط اجتماعی به حساب آورد. نظام بهره برداری یک مفهوم حقوقی است و مناسبات حقوقی افراد در رابطه با زمین، نوع و حدود مالکیت، حق تصرف و نحوه استفاده از زمین و نظام کار مقوله های اصلی آن را تشکیل می دهند. بر مبنای روابط اقتصادی که خود متاثر از تفاوت های بنیادین اقتصادی و ساختها و روابط اجتماعی - اقتصادی است، فضاهای شهری و روستایی پدیدار می گردند. در حوزه عملکردها و عناصر برقراری ارتباط شهر و روستا نظام تولیدی و فرایند مبادله مازاد محصول از اهمیت ویژه ای برخوردار است. بدینسان، با امتزاج مناسبات مبتنی بر بازار با فعالیتها و روابط تولید در روستاها، روابط و مناسبات شهر و روستا در معرض دگرگونی قرار می گیرد.

در همین ارتباط، در محدوده مورد بررسی، به عنوان نمونه بخشی از تولیدات غیر کشاورزی در روستاها منسوخ شده است. روابط شهر و روستا در عرصه اقتصادی در این محدوده را به طور کلی می توان در دو حوزه اساسی، یعنی روابط و مناسبات تولیدی و نظام مبادله تولیدات کشاورزی و صنایع دستی مورد بررسی بیشتر قرار داد.

الف) روابط و مناسبات تولیدی

از مهمترین جنبه های روابط و مناسبات تولیدی، نحوه و شکل روابط مالکیت و نظام بهره برداری است. نتایج حاصل از مطالعات میدانی نشان می دهد ۷۱/۲۵ درصد از خانوارهای نمونه به شیوه شخصی، ۱۱/۷۴ درصد به شیوه اجاره ای، ۱۴/۵۷ درصد به شیوه سهم بری و ۲/۴۳ درصد از خانوارها بر روی زمینهای وقفی و به صورت اجاره ای به فعالیت زراعی اشتغال دارند. ضمناً در زمینه صنایع دستی (عمدتاً قالببافی) ۷۱/۴ درصد به شیوه شخصی و ۲۸/۶ درصد به شیوه مزدبگیری به فعالیت مشغول هستند. بدینسان، شیوه غالب بهره برداری در این روستاها، بهره برداریهای شخصی با مالکیت خانوادگی است.

از میان ۷۰ خانوار شاغل در صنایع دستی، ۲۰ خانوار به شیوه مزدبگیری و ۵۰ خانوار به شیوه شخصی به تولید فرش دستباف اشتغال دارند؛ در شیوه مزدبگیری، ابزار و مصالح تولید در اختیار مالکان عمدتاً غایب شهری قرار دارد و قالببافان فقط با عرضه نیروی کار به شکل *مقاط کاری*^۲ دستمزد دریافت می کنند. میزان دستمزد بر مبنای واحد *مقاط* نسبت به پیشرفت کار به قالببافان پرداخت می شود. با توجه

^۱ . سعیدی، ۱۳۸۷، مدخل روابط شهر و روستا

^۲ . هر *مقاط* به ۶۰۰۰ بتو گفته می شود و هر بتو شامل ۴ نخ یا دو لایه است.

به سختی شرایط کار و نیاز به مهارت در فعالیت قالبیابی، درآمد حاصل براساس شیوه مزدبگیری بسیار اندک است، در حالی که ارزش افزوده تولیدشده در این فعالیت به مراتب بیشتر از سایر فعالیتهای اقتصادی در روستاست و مناسبات مربوط به فعالیت قالبیابی در چارچوب مقاط کاری ماهیتی سودجویانه دارد. از این رو، شیوه رایج در این فعالیت همان شیوه شخصی است. مطالعات میدانی در سال ۱۳۷۰ در همین محدوده نشان داد که بیش از ۵۳ درصد بافندگان روستایی با شیوه مقاط کاری به کار اشتغال داشته اند و در ۳۵ درصد روستاها تولید قالی به شیوه شخصی و در ۱۲ درصد دیگر به شیوه اجاره ای صورت می گرفت. به عنوان مثال، در روستای بیژانم از ۸۰ دار قالی، ۷۲ دستگاه و در روستای اسفزار از ۱۰۰ دار قالی ۷۰ دستگاه به صورت مقاط کاری اداره می شد.^۱

این بررسیها در دو دوره تاریخی ۱۳۷۰ و ۱۳۸۷ در محدوده موردنظر، نمایانگر کاهش شدید گرایش روستائیان به فعالیت قالبیابی و کاهش نسبی تولید براساس روش مقاط کاری و مزدبگیری است. البته تغییر مناسبات در این زمینه ناشی از رکود عمومی صنعت قالبیابی در کشور و کاهش نقش درآمدی آن در اقتصاد خانوارها به دلیل رکود بازار مصرف و سایر عوامل مرتبط با کیفیت تولید و شرایط بازار است؛ هرچند هنوز هم مناسبات تولیدی به شیوه های مزدبگیری (مقاط کاری) و اجاره ای به دلیل ضعف بنیادهای مالی خانوارهای روستایی برای تأمین مواد اولیه و ابزار تولید در برخی از موارد مشاهده می شود، اما رکود نسبی بازار فرش دستباف و طولانی بودن زمان بازگشت سرمایه و تحقق سود حاصل از این فعالیت، از دلایل اصلی عدم اقبال خانوارهای روستایی و سرمایه گذاران در این حیطه بشمار می آید.

یکی از جلوه های مناسبات اقتصادی شهر و روستا، مالکان یا بهره برداران ساکن شهرهاست. مالکان غایب شهری، مازاد تولید و درآمد را که در روستاها تولید می شود، بدون هیچگونه واسطه ای به کانونهای شهری منتقل می سازند و از این طریق، مازاد تولید و ارزش افزوده تولید شده در روستاها بدون آنکه در بخشهای توسعه ای روستاها از نو سرمایه گذاری و یا هزینه شود، از چرخه گردش اقتصادی روستا خارج و صرف سرمایه گذاری در فعالیتهای بعضاً غیرمولد شهری می گردد. بدینسان، جریان یک سویه سرمایه با انتقال ارزش افزوده و مازاد تولید ناشی از بهره گیری و بعضاً تخریب منابع تولید و زیرساختهای اکولوژیک و فضایی سکونتگاههای روستایی همراه می گردد.

در محدوده مورد مطالعه تعداد ۱۵۴ خانوار مالک زمین و ساکن در شهر بیرجند از میان بستگان خانوارهای نمونه شناسایی شدند که نسبت به خانوارهای نمونه، ۵۶ درصد را شامل می شوند. جدول شماره ۱ وضعیت زمین در اختیار مالکان غایب شهری را نشان می دهد.

^۱. میکائیکی، ۱۳۷۰، ص ۱۰۲

جدول شماره ۱- شیوه بهره برداری و میزان زمین در اختیار مالکان ساکن در شهر

میانگین درآمد سالانه به ریال (سرانه خانوار)	نحوه بهره برداری			مقدار زمین در اختیار به هکتار				خانوار		دهستان
	آب آبی	آب سبز	آب سبز	۳+	۳- ۲-	۲- ۱-	کمتر از ۱	درصد	تعداد	
۹۲۰۰۰۰۰	۳	۱۱	۲۷	۴	۱۵	۱۰	۱۲	۹/۰۹	۴۱	القورات
۸۹۵۰۰۰۰	۶	۲۱	۱۹	۶	۱۰	۲۰	۱۰	۲۹/۲۲	۴۵	باقران
۳۱۲۰۰۰۰۰	۲	۵	۶	۰	۳	۷	۳	۸/۴۴	۱۳	شاخات
۱۴۹۰۰۰۰۰	۶	۱۲	۱۵	۰	۳	۱۷	۱۳	۲۱/۴۳	۳۳	شاخن
۸۹۰۰۰۰۰	۱	۶	۶	۲	۱	۶	۴	۸/۴۴	۱۳	فشارود
۹۱۲۰۰۰۰	۳	۵	۱	۰	۳	۴	۲	۵/۸۴	۹	کاهشنگ
۱۳۷۱۱۰۰۰	۲۱	۶۰	۷۴	۱۵	۳۶	۶۲	۴۲	۱۰۰	۱۵۴	کل

مأخذ : مطالعات میدانی سال ۱۳۸۷

بررسیها با توجه به میزان زمین در اختیار مالکان ساکن شهر بیرجند نشان می دهد، حدود ۴۰ درصد دارای زمینهایی با مساحت ۱ تا ۲ هکتار ، ۲۷/۳ درصد کمتر از یک هکتار ، ۲۳/۴ درصد دارای زمینهایی با مساحت بین ۲ تا ۳ هکتار و مابقی دارای مساحتی بیشتر از ۳ هکتار بوده است. از نظر شیوه بهره برداری، حدود ۴۸ درصد از این اراضی توسط خود مالکان و با نظارت مستقیم آنها مورد بهره برداری قرار می گیرد و در ۵۲ درصد دیگر بهره برداری به شیوه اجاره ای و پرداخت دستمزد به کارگران فاقد زمین یا خرده مالکان به انجام می رسد. در روستاهای نزدیک به شهر، اکثر مالکان بر فعالیتهای زراعی زمین و باغها در فصل برداشت محصول نظارت مستقیم دارند. برآورد میزان درآمد خالص سالانه از فعالیتهای زراعی و باغی نشان دهنده حجم قابل توجه جریان سرمایه های تولید شده در مناطق روستایی به شهر است، به نحوی که میانگین درآمد سالانه این خانوارها در همه موارد بیشتر از خرده مالکان ساکن در روستاها، یعنی میانگین درآمد حاصله ۱/۲۳ برابر درآمد سالانه جامعه نمونه تحقیق در بخش فعالیتهای زراعی و باغی است. البته، این اختلاف به اندازه قطعات زراعی و مرغوبیت نسبی این اراضی نسبت به سایر اراضی زراعی نیز باز می گردد. شایان ذکر است که در هیچیک از روستاهای نمونه شواهدی دال بر سرمایه گذاری مالکان غایب شهری در فعالیتهای عمرانی و توسعه ای روستایی یافت نشد.

اصولاً نحوه استحصال درآمد سرانه در چگونگی بازگشت سرمایه های حاصله نقش مهمی دارد و از آنجا که ۴۸ درصد از این زمینها به شیوه شخصی و توسط صاحبان زمین انجام می گیرد و در سایر موارد نیز بهره برداری از زمینهای زراعی با نظارت مستقیم مالکان به انجام می رسد، عملاً تنها بخش ناچیزی از

این درآمدها نصیب سایر روستائیان می شود و درآمدهای حاصله از چرخه اقتصادی فعالیت در روستاها از آنها خارج می گردد. براساس میانگین درآمد سالیانه به دست آمده، هرساله مبلغی معادل ۲۱۱ میلیون تومان توسط مالکان غایب شهری از ارزش افزوده تولید شده در روستا به سمت شهر سرازیر می شود.

ب) جریان کالا و تولیدات و مکانیسم بازار

ارزش اقتصادی هر کالا همان ارزش مبادله ای است که در بازار تعیین می شود و ارزش هر کالایی ترکیبی از ارزش مصرفی و ارزش مبادله ای آن است. در این ارتباط، ارزش هر کالا در اثر مبادله ظهور می یابد و در ارتباط با روستاها، بازار محلی است که در اثر رفتار تعاملی عرضه کنندگان و متقاضیان، قیمتها تعیین می شود. یکی از عوامل اصلی در بازار، مبادله اطلاعات در مورد قیمتها، مقادیر، کیفیتها و سایر ویژگیهای بازاری است. در واقع، بازارها اطلاعاتی را جمع آوری می کنند که انتخابهای مصرف کنندگان و تولیدکنندگان و نیز صاحبان عوامل تولید را منعکس می سازد و این اطلاعات با یک رقم آماری خلاصه شده بیان می گردد که همان قیمت کالاها و خدمات است. بدینسان، جریان تولیدات، نحوه مبادله و سازوکار بازار از مهمترین جلوه های روابط اقتصادی شهرها با روستاهاست.

بدین ترتیب، برای دستیابی به اهداف توسعه و استقرار الگوی متعادل توسعه فضایی، سازماندهی و بازاریابی تولیدات اهمیت بسزایی می یابد که خود مستلزم تحلیل بازارها و شبکه های بازاری بر تولیدات و ارتقاء تولیدات محلی و اصلاح نحوه دسترسی به بازارها برای تولیدکنندگان روستایی است. وجود زیربنای فیزیکی و خدمات حمل و نقل مناسب و خدمات مربوط به ارائه اطلاعات بازارهای مصرف به تولیدکنندگان شروط لازم تحقق چنین هدفی است.

از آنجا که نقشها و کارکردهای اساسی شهر و روستا به مقتضای ویژگیهای جغرافیایی تفاوت می پذیرد، مازاد تولیدات کشاورزی و صنایع دستی، جریان مبادله تولیدات را باعث می شود. روابط شکل گرفته جهت انتقال مازاد تولیدی و رفع سایر نیازمندیهای جامعه روستایی بر مبنای ویژگیهای منطقه ای متفاوت است. این در حالی است که در محدوده مورد مطالعه، ۶۹ درصد از مازاد محصولات زراعی، ۵۶/۶ درصد از مازاد محصولات باغی و ۵۰ درصد از مازاد صنایع دستی در داخل روستاها به واسطه ها عرضه می شود. در جریان این مبادله نحوه پرداخت قیمت توسط واسطه ها در مورد محصولات زراعی ۷۶/۶ درصد به صورت نقدی و معاوضه با سایر کالاهای مصرفی، ۲۳/۴ درصد مدت دار، در مورد محصولات باغی ۵۷/۷ درصد نقدی و ۴۲/۲ درصد به صورت مدت دار و در مورد صنایع دستی نیز ۴۶/۹ درصد به صورت نقدی و ۵۳/۱ درصد به صورت مدت دار انجام می شود.

جدول شماره ۲- نحوه فروش مازاد تولیدی خانوارهای نمونه تحقیق

محل عرضه	محصولات زراعی			محصولات باغی			صنایع دستی		
	تعداد	نقدی	مدت دار	تعداد	نقدی	مدت دار	تعداد	نقدی	مدت دار
داخل روستاها توسط واسطه ها	۹۴	۷۶/۶ %	۲۳/۴ %	۹۰	۵۷/۷ %	۴۲/۲ %	۳۲	۴۶/۹ %	۵۳/۱ %
روستاهاى مجاور	۲	۵۰ %	۵۰ %	۱	-	۱۰۰ %	۰	۰	۰
شهر بیرجند	۳۹	۹۴/۹ %	۵/۱ %	۵۸	۶۹ %	۳۱ %	۳۱	۲۹ %	۷۱ %
شهرهای مجاور	۱	۱۰۰ %	-	۱۰	۶۰ %	۴۰ %	۱	-	۱۰۰ %
جمع	۱۳۶	۸۱/۶ %	۱۸/۴ %	۱۵۹	۵۸/۴۹ %	۴۱/۵۱ %	۶۴	۳۹ %	۶۱ %

مأخذ: مطالعات میدانی پژوهشگر - سال ۱۳۸۷

بر اساس اطلاعات جدول شماره ۳، در ۹۵/۸۲ درصد از موارد، مازاد محصولات تولیدی در شهر بیرجند یا توسط واسطه های شهری در محل روستاها خریداری می شود که در ۴۰ درصد موارد به صورت مدت دار پرداخت می گردد. واسطه ها یا دوره گردها که در اصطلاح محلی معامله گر نامیده می شوند، در واقع همان واسطه های ارتباطی تجار و کسبه شهری و از میان قشر نسبتاً مرفه از روستاهای بزرگتر یا شهر بیرجند در زمان برداشت محصول یا به صورت دوره ای به روستاها مراجعه و مازاد محصول را به قیمت نازلتری نسبت به قیمت واقعی بازار خریداری می کنند.

نکته قابل توجه این است که رواج این گونه مبادله به دلیل عدم دسترسی مستقیم به بازارهای مصرف ناشی از ضعف شبکه های ارتباطی و حمل و نقل نیست، بلکه علت اصلی آن انحصار بر شرایط بازار است. انحصار کامل خرید^۱ در شرایطی ایجاد می شود که انبوه فروشندگان در مقابل خریداران محدود قرار گیرند. عوامل ذیل باعث به وجود آمدن شرایط انحصار خرید بر بازار محصولات کشاورزی و رواج نظام مبادله ای در محدوده مورد مطالعه شده است:

رواج اقتصاد تک محصولی و کشت های تجاری: تنوع کشت محصولات زراعی در محدوده مورد مطالعه نشان می دهد، بیش از ۷۰ درصد سطح زیرکشت محصولات باغی به زرشک و زعفران اختصاص دارد و بقیه موارد را محصولات زراعی یک ساله، شامل گندم، جو، علوفه، سبزیجات و محصولات جالیزی تشکیل می دهد. البته در دو دهه اخیر، همراه با افزایش نسبی قیمت زرشک و زعفران، گرایش به سمت کشت این محصولات تجاری افزایش چشمگیری داشته است، تغییرنوع کشت و جایگزینی کشتهای

^۴-Monoponist(Monopsone)

تجاری به جای کشتهای سنتی و بی ثباتی در قیمت این محصولات عملاً اقتصاد روستایی را به اقتصاد وابسته به بازار (بویژه نوسانات آن) تبدیل کرده است.

اکنون نظام تک محصولی متکی بر کشت زرشک در کلیه روستاها به مدد سیاست‌گذارهای غیرعلنی بخشهای نامحسوس، اما اثرگذار (عمدتاً واسطه‌ها و عوامل بازار) استقرار یافته است و از آنجا که به دلیل نوع محصولدهی دوره ای و درختچه ای بودن، امکان تغییر نوع کشت نیز به سختی امکان پذیر شده است. بنابراین، دیگر عرضه کنندگان در تعیین قیمت اثر بسیار اندکی دارند و مکانیسم بازار در قالب *انحصار خرید*، تعیین کننده قیمت‌هاست. قیمت این محصول در سال ۱۳۷۰ یعنی دوره آغازین رواج کشت آن به میزان ۱۵۰۰ ریال و در سال ۱۳۸۰ دوره گذار از نظام چندکشتی به نظام تک کشتی به ۸۰۰۰ ریال و در حال حاضر یعنی دوره استقرار کامل نظام تک کشتی، به ۴۰۰۰۰ ریال رسیده است که آن هم توسط واسطه‌ها به صورت مدت دار به قیمت کمتر از ۱۵۰۰۰ ریال در سطح روستاها خریداری می شود. بیان ویژگیهای این سه دوره در زمینه مناسبات اقتصادی و مکانیسم بازار اهمیت زیادی دارد که به اختصار بدان پرداخته می شود.

- **دوره آغازین دهه ۷۵-۱۳۶۵:** آغاز رواج کشت زرشک و زعفران در همه روستاهای شهرستان بیرجند و صدور کشت از زیستگاههای طبیعی که بیشترین تمرکز کشت زرشک در آن مناطق وجود داشت، دهستانهای شاخن و شاخنات و بخش های شمال شرقی شهرستان بیرجند، زیستگاه اولیه این کشت محسوب می شود.

- **دوره گذار از نظام چندکشتی به نظام تک کشتی ۸۰-۱۳۷۵:** در این فاصله زمانی گرایش به سمت این محصول تجاری تشدید شد. واسطه‌ها از طریق پیش خرید محصول، نقش عمده ای در ترغیب کشاورزان به تغییر نوع کشت برعهده داشتند. قیمت محصول نسبت به آغاز دوره قبل به دهها برابر رسید و با رواج شدید کشت، عرضه محصول نیز افزایش یافت.

- **دوره استقرار نظام تک کشتی از سال ۱۳۸۰ تاکنون:** با عرضه محصول و کنترل بازار از طریق واسطه‌ها، نظام پیش فروش عملاً منسوخ گردید، به طوری که هم اکنون در هیچیک از روستاهای نمونه، نظام پیش فروش وجود ندارد. ویژگیهای انحصاری محصول زرشک از جمله عدم وجود امکانات ذخیره سازی، فسادپذیری، عدم وجود صنایع تبدیلی همراه با عرضه فراوان از یک سو و کنترل بازار از سوی دیگر، شرایط رکود را بر بازار داد و ستد این محصول حاکم ساخته است و تولیدکنندگان ظاهراً راهی جز ادامه مسیر کنونی را ندارند.

۲- **نظام مبادله و مکانیسم بازار و نقش واسطه‌ها:** همان گونه که گفته شد، واسطه‌ها نقش اساسی در رواج شرایط انحصار خرید محصولات کشاورزی را در محدوده مورد مطالعه برعهده دارند. سرمایه گذاران و تجار شهری به جای مشارکت در فرایند تولید و حتی نظام پیش فروش محصولات کشاورزی به کنترل بازار به عنوان آخرین حلقه فرایند تولید و عرضه محصول روی آورده اند، چراکه مشارکت در

فرایند تولید، هزینه ریسک را افزایش می دهد، هزینه ریسک تولید در منطقه ای که با خشکسالیهای مداوم رو به رو است دائماً در حال افزایش است. سرمایه گزاران و تجار شهری از طریق ساخت انبارهای نگهداری محصول در روستاهای پرجمعیت و همچنین تمرکز فعالیت بر انحصار بازار از یک طرف نقش عمده ای در تعیین قیمت دارند و از طرف دیگر، ریسک سرمایه گزاری در تولید را به کشاورزان منتقل می کنند و در این بین واسطه ها به عنوان بازوهای اصلی عملکردی بازار انحصاری انجام وظیفه می کنند. یکی از شروط سیال بودن بازار در شرایط رقابتی، حرکت آزادانه منابع تولیدی و امکان تماس مستقیم و بدون واسطه عرضه کنندگان و متقاضیان است. در شرایط نظام مبادله کنونی تنها متقاضیان فوری (واسطه ها و بازار) می توانند با تغییر حجم تقاضا در قیمت بازار مؤثر باشند.

نتایج تحقیقات در محدوده مورد مطالعه مورد مطالعه در دو دوره زمانی (۱۳۷۰ و ۱۳۸۷) نشانگر تغییر و تحولات جدی در برخی جنبه های مناسبات اقتصادی و تولیدی شهر و روستا از حیث شیوه ها و سازوکارهای مولد این روابط است که به صورت زیر معرفی می شود:

الف) روابط و مناسبات سنتی اقتصادی و تولیدی: ویژگیها و سازوکارهای روابط سنتی اقتصادی شهر و روستا در محدوده مورد مطالعه، مؤید همان ویژگیهایی است که اهلرس (۱۳۸۰) در مورد طبس و دزفول بدانها اشاره کرده است که با اندکی تفاوت به شرح زیر خلاصه می گردند:

- روابط سنتی مالکیت و غلبه نظام سهم بری بر اساس بهره مالکانه؛
- حضور مالکان غایب شهری و جریان ارزش افزوده تولید شده در بخش های تولیدی به سمت شهر؛
- نظام پیش فروش محصولات کشاورزی و سلف خری که باعث کسب درآمدهای اضافی تجار و واسطه ها می گردید؛
- مناسبات تولیدی در صنایع دستی (به ویژه فرش دستباف) به شیوه مقاط کاری و مالکیت بر ابزار تولید که باعث تسلط اقتصاد شهری بر سازماندهی صنایع دستی و جذب سرمایه های تولید شده در بخش صنایع دستی به اقتصاد شهری می گردید؛ و
- فقر زیرساخت های اساسی روستایی از جمله امکانات حمل و نقل و راه های ارتباطی که خود موجب دسترسی مشکل به بازارهای مصرف و رواج نظام سلف خری و مبادلات واسطه ای می شد.

همان گونه که ملاحظه می شود، این نوع مناسبات و سازوکارها بر چارچوبه سرمایه داری بهره بری در شرایط تولید (کشاورزی و صنعتی) دلالت دارد، هرچند این مناسبات در نهایت به ضرر اقتصاد روستاهای حوزه نفوذ و نفع اقتصاد حریص شهری منجر می شود، اما مشارکت (حتی مشارکت نابرابر) در عرصه تولید، از یک سو باعث رواج فعالیتهای تولیدی و از سوی دیگر، مشارکت عوامل مؤثر در تولید در زمینه خطرپذیری در روند تولید می گردد.

ب) روابط و مناسبات جدید اقتصادی و تولیدی : مناسبات اقتصادی و تولیدی به شکل کنونی حاوی سازوکارهایی است که در زمینه جریان تولیدات، نحوه مبادله و سازوکار حاکم بر بازار است. به سخن دیگر، تغییر گرایش و نحوه عمل سرمایه داری بهره بری از مکانیسم های تولیدی به مکانیسم های مبادله ای و بازار، ویژگی بارز مناسبات جدید اقتصادی است که ویژگیهای آن به شرح زیر است:

- نظام پیش فروش محصولات کشاورزی و سلف خری محصولات عمده باغی با هدف رواج کشت تجاری و تحکیم پایه های اقتصاد تک محصولی وابسته به بازار مصرف که پس از استقرار کامل نظام تک محصولی، پیش فروش محصولات کشاورزی نیز از میان برداشته می شود؛

- وابستگی اقتصاد روستایی و خانوارهای روستایی به کشتهای تجاری و بی ثباتی درآمدی ناشی از شرایط انحصار خرید بازار محصولات؛ و

- انحصار خرید بازار و تسلط بر حلقه نهایی تولید توسط سرمایه داران شهری از طریق واسطه ها و اثرگذاری مستقیم بر تعیین قیمت ها توسط متقاضیان (سرمایه داران و واسطه های شهری) در شرایط کم تحرکی عوامل تولید و اثرگذاری ناچیز عرضه کنندگان (خانوارهای روستایی) بر تعیین قیمت ها. بر اساس این ویژگیها، مناسبات اقتصادی به شکل نوین بر شرایط مبادله و بازار دلالت دارد، این گونه مناسبات علاوه بر تضمین جریان دائمی سرمایه از بخشهای مولد روستایی، امکان هرگونه تحرک و سیال بودن عوامل تولید به سبب حاکمیت نظام تک محصولی را سلب نموده و شرایط را برای انجام تغییرات دلخواه متناسب با نظر سرمایه داران در راستای تعیین قیمتها و یا تغییر در الگوهای تولیدی، توزیعی و حتی مصرفی فراهم می آورد.

جمع بندی و نتیجه گیری

با عنایت به اینکه هدف این تحقیق تأکید بر بر تحولات روابط شهر و روستا در زمینه مناسبات اقتصادی، در این زمینه نظام تولیدی و فرآیند مبادله مازاد محصولات مورد توجه قرار گرفته است هرچند شیوه غالب بهره برداری در محدوده مورد مطالعه، بهره برداریهای شخصی با مالکیت خانوادگی و خرده مالکی است. وجود مالکان غایب شهری مازاد تولید و ارزش افزوده تولید شده در روستاها را بدون آن که در بخشهای توسعه ای هزینه شود، از چرخه اقتصاد روستائی خارج و موجب جریان یک سویه سرمایه به نفع اقتصاد شهری می شود. مقایسه میانگین درآمد این مالکان نسبت به خانوارهای بهره بردار کشاورزی مستقر در روستاها معادل ۱/۲۳ برابر است؛ همچنین مناسبات تولیدی به شکل مقاط کاری در صنایع دستی (فرش دستباف) نیز موجب جذب بخش اعظم ارزش تولید شده در صنایع دستی به اقتصاد شهری می گردد.

حاکمیت شرایط انحصار خرید در جریان مبادله مازاد محصولات زراعی و باغی از مهم ترین نمودهای روابط ناعادلانه اقتصادی شهر و روستا است. عدم دسترسی به اطلاعات بازار و عرضه محصولات کشاورزی و باغی (عمدتاً محصولات تجاری باغی) به دلیل شرایط انحصاری خرید و وجود واسطه ها در

راستای تقویت ارکان بازار انحصاری موجبات انتقال بخش عظیمی از ارزش افزوده تولیدات زراعی و باغی به اقتصاد غیر مولد شهری شده است.

نظریه سرمایه داری بهره بری بر اخذ سهم نابرابر زمینداران عمدتاً غایب شهری به صورت بهره مالکانه دلالت دارد. در محدوده مورد بررسی علاوه بر روابط و نظام مالکیت که موجبات اخذ رانت به صورت بهره مالکانه می گردد، بر رانت بازار نیز قابل تعمیم است. از این رو، می توان این سازوکار را سرمایه داری بهره بری نوین (نئورنت-کاپیتالیسم)^۱ مبتنی بر رانت بازار نامید که علاوه بر تضمین جریان دائمی سرمایه از بخشهای مولد روستایی، امکان هرگونه تحرک اقتصادی به سبب حاکمیت نظام تک محصولی و انحصار بازار خرید را از عوامل تولید سلب می نماید.

وجود نظام تک محصولی (عمدتاً محصولات باغی) و تسلط سرمایه داران شهری بر اهرمهای مبادله ای بازار موجب کم تحرکی عوامل تولید و اثرگذاری ناچیز عرضه کنندگان بر تعیین قیمتها شده و سرمایه داران و واسطه های شهری، بدون مشارکت در فرآیند تولید (حتی در قالب مالکان سنتی) تسلط خود را بر نهایی ترین حلقه تولید، یعنی عرضه و مبادله از طریق واسطه گری و انحصار خرید قطعی نموده و جریان دائمی سرمایه را تضمین می نمایند.



^۱ . ضمناً نگاه شود به: سعیدی و سلطانی،

منابع

- اهلرس، اکارت (۱۳۸۰) " سرمایه داری بهره بری و تکوین شهر در شرق اسلامی (نمونه ایران) " ترجمه عباس سعیدی در مجموعه مقالات شهر، روستا، عشایر، نشر منشی، صص، ۲۵۲-۲۲۱؛
- اهلرس، اکارت (۱۳۸۰) " دزفول و حوزه پیرامونی آن " ترجمه عباس سعیدی در مجموعه مقالات شهر، روستا، عشایر، نشر منشی، صص، ۲۶۸-۲۵۳؛
- اهلرس، اکارت (۱۳۸۰) " شهر و حوزه نفوذ آن: نمونه طبس " ترجمه عباس سعیدی در مجموعه مقالات شهر، روستا، عشایر، نشر منشی، صص، ۲۸۸-۲۶۹؛
- سعیدی، عباس (۱۳۸۲) " روابط شهر و روستا و پیوندهای روستایی شهری (یک بررسی ادراکی) " مجله جغرافیا، نشریه انجمن جغرافیایی ایران، جلد اول، صص ۹۱-۷۳؛
- سعیدی، عباس، (۱۳۸۷-الف)، روستائی- شهری. در: دانشنامه مدیریت شهری و روستائی، تهران؛
- سعیدی، عباس (۱۳۸۷-ب)، روابط شهر و روستا. در: دانشنامه مدیریت شهری و روستائی، تهران؛
- میکانیکی، جواد (۱۳۷۰) " بررسی و شناخت روابط مکانی فضایی شهر و روستا با تاکید بر دگرگونی بافت روستایی، نمونه بخش مرکزی شهرستان بیرجند " پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- Bobek, H.: "Soziale Raumbildungen, am Beispiel des vorderen Orients", in: Dt. Geographentag Muenchen (1948), Landshut, 1950, S. 193-207;
- Bobek, H.: "Die Hauptstufen der Gesellschafts- und Wirtschaftsentfaltung in geographischer Sicht", in: Erde, 90, 1959, S. 259-298;
- Bobek, H.: "Entstehung und Verbreitung der Hauptflurformen Irans: Grundzuege einer sozialgeographischen Theorie", in: Mitteilungen der oestereichischen geographischen Gesellschaft, 118, 1975/76, S. 274-322;
- Douglass, Mike: "A Regional Network Strategy for Reciprocal Rural-urban Linkages." in: TWPR, 20(1), 1998, pp. 1-33;
- Friedmann, John: Regional Development Policy: A Case Study of Venezuela, MIT Press, Cambridge, Mass., 1966;
- Friedmann, John: Modular cities: beyond the rural-urban divide, In: Environment and Urbanization, Vol. 8, No. 1, April 1996
- Friedmann, John: Cities in a Global Age: Critical Areas of Theory and Research, University of Michigan, East Lansing, 2003;
- Iaquina, D.L. & A.W. Drescher, Defining Periurban: Understanding Rural-Urban Linkages and Their Connection to Institutional Contexts, In: Tenth World Congress of the International Rural Sociology Association (August 1, 2000), Rio de Janeiro, 2000;
- Jerve, A.M., Rural-Urban Linkages and Poverty Analysis. In: Choices for the Poor, UNDP, 2001
- Kelly, Philipe F (1998) "The politics of Urban-Rural relation: Land use conversion in the Philippines" Environment and Urbanization, Vol, 10, No, 1
- Lynch, Kenneth: Rural-Urban Interaction in the Developing World, Routledge, London, 2005;

-Overbeek.G and Terlin.I (2006) “ Rural Areas under Urban pressure,case studies of Rural-Urban Relationships across Europe” The Hoge,Agricultural Economics Research Institute(LEI),report.7.06.01.

-Owen,Stephen(1996) “ Sustainability and Rural Settlement”, Planing Practice and research,Vol.11,no,1,pp:3747

- Satterthwaite, D.:“Seeking an Understanding of Poverty that Recognizes Rural-Urban Differences and Rural- Urban Linkages.” The World Bank's Forum on Urban Poverty Reduction in the 21st Century, April 2000;

- Tacoli, C.:“Rural-Urban Interactions.” In: Environment and Urbanization, Vol. 10, No. 1, April, 1998;

- Van Veenhuizen: The Rural -Urban Interface, Leusden (The Netherlands), 2002;



پروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی